

بسم الله الرحمن الرحيم

شیعه کیست و چه می‌گوید؟

درس گفتارهایی از: مسعود بسیطی

با اهتمام: زهرا مرادی

در دوره‌ی «[شیعه کیست و چه می‌گوید؟](#)» درباره‌ی ظهور تشیع، مبانی اعتقادی شیعه و معرفی اسلام حقیقی، سخن خواهیم گفت.

درس هشتم: معاد؛ بنجمین اصل اعتقادی شیعه

کلمات کلیدی: شیعه کیست؟ معاد؛ زندگی پس از مرگ؛ معاد و عدل الهی؛ محکمه الهی؛ اصول دین؛ اصول اعتقادی شیعه؛ مسعود بسیطی؛ زهرا مرادی

در جلسات گذشته درباره‌ی مبانی تفکر شیعه (علم و عقل) صحبت شد و اصول اعتقادی تشیع از جمله توحید، عدل، نبوت و امامت مورد بررسی قرار گرفت. در این جلسه به آخرین اصل اعتقادی شیعه یعنی «معاد» خواهیم پرداخت.

اصل پنجم در اعتقادات شیعی: معاد

«معاد» از نظر لغوی به معنی بازگشتن است^۱ و در اصطلاح، به بازگشت دوباره‌ی روح به بدن در روز رستاخیز و حسابرسی به اعمال دنیوی انسان‌ها در پیشگاه خداوند متعال، اطلاق می‌شود.

شیعیان معتقدند زندگی در این دنیا، تنها بخش کوتاهی از حیات آدمی است و با مرگ جسم، «روح» در عالمی به نام «برزخ» به حیات خود ادامه می‌دهد.^۲ اما در روزی خاص به نام روز «قیامت»^۳ یا «رستاخیز» به امر و قدرت

^۱ "و الْمَعَادُ یقال للعود و للزمان الذي یعودُ فیه، و قد یكون للمكان الذي یعودُ إلیه" یعنی: معاد به معنی بازگشتن است و همچنین زمانی که در آن بازمی‌گردند و نیز برای مکانی است که به آنجا بازمی‌گردند (معاد هم اسم مصدر است و هم اسم زمان و مکان): مفردات راغب، ج ۱، ص ۵۹۴.

^۲ برزخ از نظر لغوی به معنای «حائل بین دو چیز» است و اصطلاحاً به «حد فاصل بین دنیا و آخرت» گفته می‌شود. (لسان العرب، ج ۳، ص ۸). خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: "مِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى یَوْمِ یُبْعَثُونَ" یعنی: پشت سرشان برزخ است تا روزی که برانگیخته می‌شوند: قرآن کریم، سوره مؤمنون، آیه ۱۰۰.

الهی، روح آدمی به جسم خود باز می‌گردد و اصطلاحاً انسان دوباره زنده می‌شود تا به اعمال و کردارش در دنیا رسیدگی شود. چنانچه کسی در دنیا حق‌پذیر و عقل‌مدار زندگی کرده باشد، به نعمت‌های بهشتی دست می‌یابد و اگر در زندگی دنیوی هوای نفس را بر آنچه رضایت خدا بوده، ترجیح داده باشد، به کیفر کردار ناشایست خود می‌رسد.

بازگشت روح به جسم

برخی، برای تبیین و تشریح این واقعیت که دنیای کنونی ظرفیت و فرصت جزای نیک و بد به رفتار انسان‌ها را ندارد، به ابداع نظریاتی همچون «تناسخ» روی آورده‌اند. قائلان به تناسخ معتقدند پس از مرگ، روح آدمی به تناسب خُلق و خویی که داشته، به جسم دیگری حُلول پیدا می‌کند و دوباره به دنیا باز می‌گردد.

تناسخ‌گرایان به دلیل دور ماندن از راهنمایی‌های مربیان الهی، ناگزیر شده‌اند چنین فرض کنند که: انسان‌های اخلاق‌مدار و نیکوکار که دوران حیاتشان را با سختی و فقر یا بیماری و مظلومیت سپری کرده‌اند، در حیات بعدی به پاداش خود نایل می‌شوند و از نعمت رفاه و سلامت برخوردار می‌گردند. اما آنهایی که در زندگی پیشین دارای رفتار ناپسند بوده‌اند و مردم از دست آنان رنجیده‌اند، ارواحشان در زندگی بعد، به صورت حیوانات، نباتات، جمادات و یا انسان‌های بیمار و مطرود جامعه باز می‌گردد و گرفتار عذاب روحی و جسمی می‌شوند!

در حالی که چنین تصویری صریحاً از جانب خداوند و فرستادگانش مردود است.^۲ بر اساس آموزه‌های تشییع، پس از مرگ، روح انسان از جسم جدا می‌شود و تا روز رستاخیز، در عالم برزخ به حیات خود ادامه می‌دهد.^۳ به اعتقاد شیعیان، ارواح نیکوکاران در برزخ، از پاداش‌ها و نعمت‌های الهی بهره‌مند می‌گردند و ارواح بدکاران، در عذاب و ناراحتی خواهند بود.^۴ تا آنکه وقت موعود فرا رسد و به امر و اراده‌ی خداوند، ارواح، دوباره به بدن‌هایشان بازگردند و برای رسیدگی به ذره ذره‌ی اعمال‌شان در پیشگاه الهی حاضر شوند.

^۲ قیامت از قیام، خیزش و برخاستن است و در اصطلاح، برخاستن انسان از خاک و حضور در عالم پس از مرگ را گویند: لسان العرب، ج ۱۲، ص ۵۰۶. ؛ قیامت به معنی حالت و قیامی است که ناگهانی از انسان حاصل می‌شود و عبارت است از رستاخیز: مفردات الفاظ قرآن، ج ۱، ص ۶۹۱.

^۳ به عنوان نمونه خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: "حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ * لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ" یعنی: تا زمانی که مرگ، یکی از آنان فرا رسد، می‌گوید: «پروردگار من؛ مرا [به دنیا] بازگردانید؛ شاید درباره‌ی آنچه ترک کردم [و کوتاهی نمودم] عمل صالحی انجام دهم» [اما به او می‌گویند:] هرگز چنین نخواهد شد! این سخنی است که او تنها به زبان می‌راند. و (در حالی که) پشت سر آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند: قرآن کریم، سوره مؤمنون، آیات ۹۹ و ۱۰۰. ؛ همچنین امام رضا علیه السلام (هشتمین امام و جانشین پس از رسول خاتم) فرموده‌اند: "مَنْ قَالَ بِالتَّنَاسُخِ فَهُوَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ يُكَدِّبُ بِالْجَنَّةِ وَ النَّارِ" یعنی: کسی که به تناسخ عقیده داشته باشد، به خدای تعالی کفر ورزیده و بهشت و دوزخ را غیر واقعی تلقی کرده است: بحارالانوار، ج ۴، ص ۳۲۰.

^۴ بنگرید به پاورقی شماره ۲.

^۵ رسول خاتم می‌فرماید: "إِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا مَاتَ عَرِضَ عَلَيْهِ مَقْعَدُهُ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ إِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَمِنْ الْجَنَّةِ وَإِنْ كَانَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ فَمِنْ النَّارِ فَيَقَالُ هَذَا مَقْعَدُكَ حَتَّىٰ تَبْعَثَكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ" یعنی: هنگامی که یکی از شما از دنیا برود، جایگاهش صبح و شام به او عرضه می‌شود، اگر از اهل بهشت باشد، جایگاهش در بهشت

پیامبر اکرم در توصیف و تشبیه چگونگی مرگ و زندگی مجدد در معاد چنین می‌فرماید:

«می‌میرید همانگونه که به خواب می‌روید و زنده می‌شوید همان گونه که بیدار می‌شوید.»

ممکن است این سوال پیش بیاید که چگونه دوباره روح به جسم باز می‌گردد، در حالی که پس از مرگ، جسد فاسد و متلاشی می‌شود؛ تا جایی که پس از چند دهه حتی استخوان‌های انسان نیز تجزیه و ناپدید می‌شود؟

پاسخ این سوال را خداوند، خود در قرآن کریم فرموده:

«آیا انسان نمی‌بیند که ما او را از نطفه‌ای آفریده‌ایم؟»

پس [چرا ستیزه جویانه] ... آفرینش خود را فراموش کرد و گفت: چه کسی این استخوان‌ها را - که چنین پوسیده است - زندگی می‌بخشد؟

[ای پیامبر به آنها] بگو: همان کسی که نخستین بار آن را پدید آورد [قدرتش را دارد که بار دیگر او را بیافریند]

اوست که به هرگونه آفرینشی احاطه دارد ...

آیا کسی که آسمان‌ها و زمین را آفریده، توانا نیست که [باز] مانند آنها را بیافریند؟»

نمونه‌هایی از معاد در دنیا

خداوند رحمان به عنوان نشانه و عبرتی برای مردم، نمونه‌هایی از زنده شدن مردگان را در همین دنیا به ایشان نشان داده تا از شک و تردید بیرون بیایند.

یکی از این نمونه‌ها، زنده شدن طبیعت پس از سرمای زمستان یا رویدن گیاه در زمین‌های مرده است.

نمونه‌ی دیگر، زنده شدن مردگان به دست فرستادگان الهی و البته به امر و قدرت خداوند است. به عنوان مثال حضرت موسی،^{۱۰} حضرت عیسی،^{۱۱} حضرت محمد،^{۱۲} امیر مومنان^{۱۳} و امامان دیگر،^{۱۴} در جلوی چشم مردم،

است و اگر از اهل دوزخ باشد، جایگاهش در دوزخ است و به او گفته می‌شود این جایگاه توست تا هنگامی که خداوند تو را در قیامت مبعوث کند: بحارالانوار، ج ۶، ص ۲۷۵.

۷ "لَتَمُوْتُنَّ كَمَا تَمُوْتُونَ وَ لَتُبْعَثُنَّ كَمَا تَسْتَيْقِظُونَ": بحارالانوار، ج ۷، ص ۴۷.

۸ "أَوَلَمْ يَرِ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ * وَ صَرَبَ لَنَا مَتَلًا وَ نَسِيًّا خَلَقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَ هِيَ رَمِيمٌ * قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ هُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ ... أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ بِقَادِرٍ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِنْلَهُمْ بَلَىٰ وَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ * إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ": قرآن کریم، سوره یس، آیات ۷۷ تا ۸۲.

۹ خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: "وَ اللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَىٰ بَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ" یعنی: و خداوند است که بادها را فرستاد تا ابر را برانگیزاند، پس آن را به سوی سرزمینی مرده رانديم، و به وسیله‌ی آن زمین را بعد از مردنش زنده نمودیم. رستاخیز نیز چنین است: قرآن کریم، سوره فاطر، آیه ۹.

مردگانی را زنده کردند تا حجتی باشد برای ایشان در اینکه اگر خدا بخواهد، می‌تواند حیات دوباره به بشر عطا فرماید.

دنیا کشتزار آخرت

به تعبیر حضرت محمد ط صلی الله علیه و آله و سلم، زندگی کوتاه این دنیا، کشتزاری برای آخرت است.^{۱۰} همچنانکه کشاورزی که در مزرعه‌اش جو کاشته، انتظار برداشتِ گندم ندارد، انسانی هم که در این دنیا نیت خیر و کار نیک نداشته، نباید انتظارِ پاداش و نعمت‌های بهشتی در سرای باقی را داشته باشد. بنابراین، کسی که می‌خواهد در زندگانی ابدی خود، در رفاه و آرامش باشد و از رحمت و نعمت‌های الهی بهره‌مند گردد، باید بکوشد در زمان کوتاهی که در دنیا زندگی می‌کند، بهترین اعمال را از خود به جای بگذارد.

ارتباط معاد و عدالت خداوند

در این دنیا، برخی انسان‌ها به آنچه فرستادگان و مریبان الهی سفارش کرده‌اند، گوش می‌سپارند و با مهار کردن خواهش‌های نفسانی، راهی را که عقل تایید می‌کند، می‌پیمایند. طبیعتاً در این مسیر، دچار سختی‌هایی هم می‌شوند. مثلاً با آنکه می‌توانند به راحتی حقوق و اموال دیگران را غصب کنند و در رفاه بیشتری زندگی نمایند، تن به سختی کار کردن و در آوردنِ روزی حلال می‌دهند. یا با اینکه می‌توانند با دروغ، جایگاه و اعتبار ویژه‌ای کسب کنند، نفس‌شان را توسط عقل، عقال می‌کنند و حتی اگر به ضررشان باشد، حقیقت را می‌گویند.

در مقابل، افرادی هستند که به راحتی به مال و جان و ناموس مردم تعدی می‌کنند و با ظلم و فساد، زندگی دنیایی خود را در لذت و رفاه می‌گذرانند.

آیا عاقلانه است که این دو گروه، سرنوشت یکسانی داشته باشند و با بدکاران همانگونه رفتار شود که با نیکوکاران؟! آیا عادلانه است برای فرعون‌ها و چنگیزها و هیتلرها و ... که یک عمر خون مردم را به شیشه کرده‌اند، هیچ حساب و کتاب و مکافاتی وجود نداشته باشد؟

^{۱۰} یکی از بنی اسرائیل، کشته شده بود و بر سر اینکه فاتلش چه کسی بود، اختلاف شد. حضرت موسی به قدرت خداوند مقتول را زنده کرد تا نام قاتل را فاش نماید. برای توضیحات تکمیلی درباره‌ی این اتفاق، بنگرید به: قرآن کریم، سوره بقره، آیات ۶۷ تا ۷۳. و همچنین: بحارالانوار، ج ۱۳، ص ۲۶۶.

^{۱۱} یکی از معجزات حضرت عیسی علیه السلام که هم در کتاب مقدس وجود دارد و هم در قرآن کریم به آن اشاره شده، زنده شدن مردگان به دست ایشان است. به عنوان نمونه بنگرید به: "وَ إِذْ نُخْرِجُ الْمَوْتَى بِأَذْنِی" یعنی: و آن هنگام که به اذن من مردگان را [زنده می‌کردی و] از قبر بیرون می‌آوردی: قرآن کریم، سوره مائده، آیه ۱۱۰؛ و انجیل یوحنا، باب ۱۱، بندهای ۱ تا ۴۴.

^{۱۲} به عنوان نمونه بنگرید به ماجرای زنده شدن دو کودک به دست رسول رحمت در: بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۱۶.

^{۱۳} به عنوان نمونه بنگرید به ماجرای زنده کردن سام پسر حضرت نوح توسط امیر مومنان به درخواست عده‌ای از غیر مسلمانانِ یمن در: بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۲۱۲.

^{۱۴} به عنوان نمونه بنگرید به ماجرای زنده شدن نوزادی به دست امام باقر علیه السلام (پنجمین امام و جانشین پس از رسول خاتم) در: الهدایة الکبری، ص ۳۰۶.

^{۱۵} "الدُّنْيَا مَرْعَةٌ الْآخِرَةُ": مجموعة ورام، ج ۱، ص ۱۸۳.

بنابراین، از این منظر، «معاد» ارتباط نزدیکی با «عدل» دارد.^{۱۶} خداوند حکیم، خود به این موضوع اشاره کرده و می‌فرماید:

«آیا کسانی که مرتکب کارهای بد شده‌اند پنداشته‌اند که آنان را مانند کسانی قرار می‌دهیم که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند [به‌طوری که] زندگانی آنها و مرگشان یکسان باشد؟ چه بد داوری می‌کنند.»

۱۷

بر مبنای آموزه‌های اهل بیت علیهم السلام کسانی که در این دنیا حقوق‌شان توسط دیگران ضایع شده، در آخرت خداوند برای‌شان جبران می‌کند. بدین ترتیب که از کارهای خوب کسی که حق دیگران را پامال کرده، به آنهاپی که در دنیا حق‌شان توسط آن فرد از بین رفته، داده می‌شود. اگر فرد بدهکار، به اندازه‌ی کافی کار نیک در پرونده‌ی اعمالش نداشته باشد، از گناهان و خطاهای فردی که به او ظلم شده، برداشته می‌شود و به مجازات ظالم افزوده می‌گردد.

۱۸

لذا عاقلانه این است که به توصیه‌ی رسول رحمت که فرمودند «به اعمال خود رسیدگی کنید، پیش از آنکه در پیشگاه الهی، اعمال تان را مورد حسابرسی قرار دهند» عمل کنیم و تا فرصت باقی است، حقوقی که بر گردنمان است، ادا نماییم.

دادگاه بشری یا محکمه‌ی الهی؟

درست است که عده‌ای از بدکاران و ظالمان، در همین دنیا به مکافات اعمال‌شان می‌رسند و یا بخشی از آن را دریافت می‌کنند؛

و درست است که گاهی نتیجه‌ی ظلم‌ها و فسادهایی که آدمی مرتکب می‌شود، دامان خودش را هم می‌گیرد؛ و نیز درست است که «محکمه‌ی وجدان»، موضوع حائز اهمیت است؛

^{۱۶} رسول خاتم می‌فرماید: "سُبْحَانَ الَّذِي فِي الْقِيَامَةِ عَدْلُهُ" یعنی: منزّه است آن [خدایی] که عدالتش در قیامت [آشکار می‌شود]: المصباح (کفعمی)، ص ۶۶۱.

^{۱۷} "أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مَخْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ": قرآن کریم، سوره الجاثیه، آیه ۲۱. ؛ همچنین می‌فرماید: "أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ" یعنی: آیا کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام دادند را با فسادکنندگان در زمین یکسان قرار می‌دهیم؟ آیا پرهیزکاران را مانند گناهکاران قرار می‌دهیم؟: قرآن کریم، سوره ص، آیه ۲۸.

^{۱۸} امام باقر یا امام صادق علیهما السلام فرموده‌اند: "يُؤْتَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِصَاحِبِ الدِّينِ يَشْكُو الْوَحْشَةَ فَإِنْ كَانَتْ لَهُ حَسَنَاتٌ أُخِذَ مِنْهُ لِصَاحِبِ الدِّينِ وَقَالَ وَ إِنْ لَمْ تَكُنْ لَهُ حَسَنَاتٌ أُلْقِيَ عَلَيْهِ مِنْ سَيِّئَاتِ صَاحِبِ الدِّينِ" یعنی: بدهکار را در قیامت حاضر می‌کنند در حالی که شدیداً وحشت زده و نگران است، اگر حسناتی دارد از او می‌گیرند و به طلبکارش می‌دهند و اگر حسناتی نداشت از گناهان طلبکار می‌گیرند و به بدهکار می‌دهند: بحارالانوار، ج ۷، ص ۲۷۴.

^{۱۹} "حَاسِبُوا أَنْفُسَكُمْ قَبْلَ أَنْ تُحَاسَبُوا وَ زُنُوهَا قَبْلَ أَنْ تُزْنُوا وَ تَجَهَّزُوا لِلْعَرْضِ الْأَكْبَرِ" یعنی: پیش از این که به حساب شما رسیدگی شود خودتان به حسابتان برسید، قبل از این که اعمال شما را با میزان توزین کنند، خودتان آنها را بسنجید، و بدین وسیله برای عرضه‌ی بزرگ اعمال، آماده شوید: بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۷۳.

با این حال، هیچ یک از موارد یاد شده، آنچنان عمومی و همگانی نیست که هر ظالم و بدکرداری را درست به اندازه‌ی ظلم و گناهِش کیفر بدهد. بنابراین، برای رسیدگی به عملکرد انسان‌ها به یک محکمه نیاز است.

اما هیچ محکمه و دادگاه بشری نمی‌تواند به همه‌ی زوایای عملکرد افراد، اِشْرَافِ کامل داشته باشد و بدون خطا، درباره‌ی همگان، حکم صحیحی بدهد. حتی به فرض درستکاری و زبردستی تصمیم‌گیرندگان دادگاه، باز هم این سوال پیش می‌آید که کدام داور و قاضی و دادستانی است که ادعا کند از نیت‌های افراد هم با خبر است؟ در حالی که «نیت» است که به عمل، اعتبار می‌بخشد و یک عمل واحد با دو نیت متفاوت می‌تواند مستحق پاداش و مجازاتی متفاوت باشد. این موضوع، در آموزه‌های شیعی تا آنجا اهمیت دارد که اگر مثلاً کسی از نظر جسمی یا مالی توانمندی انجام کار خیری را نداشته باشد اما در دلش دوست داشته باشد آن را انجام دهد، به سبب نیتش پاداش می‌گیرد. در مقابل، اگر کسی به نیت فخرفروشی، برای محرومان، بیمارستان تأسیس کند یا شکم گرسنگان را سیر کند، مستحق جایزه‌ی الهی نیست. بلکه چون نیتش ارضای هوای نفسش بوده، نهایتاً در این دنیا به همان می‌رسد. یعنی دیگران از او تقدیر و تشکر می‌کنند، اسمش بر زبان‌ها می‌آفتد و خلاصه همان حس خوشایندی را که دنبالش بوده، به دست می‌آورد. (با این حساب، کدام محکمه‌ی بشری از چنان علم و توانمندی برخوردار است که به این زوایا پردازد و با در نظر گرفتن کلیه جوانب، رأی نهایی را صادر کند؟^{۲۲})

از سوی دیگر، بعضی از اعمال - چه خوب و چه بد - به گونه‌ای هستند که جزای‌شان در این عالم نمی‌گنجد. به عنوان مثال، با کدام مجازات می‌توان کسی را که هزاران انسان بی‌گناه را ظالمانه شکنجه کرده و به قتل رسانده، به سزای عملش رساند؟ مگر می‌شود او را به مجازات تک تک قتل‌هایش، هزار بار کشت؟! و یا چه پاداش زمینی‌ای می‌توان برای کسی که با نوشتن یک کتاب، سبب هدایت هزاران هزار نفر شده و حتی پس از مرگش هم عده‌ای با خواندن کتابش به حقیقت و راستی دست می‌یابند، متصور شد؟

بنابراین، با توجه به نکاتی که مطرح شد، این جهان گنجایش و فرصت حسابرسی کامل همراه با دیدن همه‌ی عواقب کارهای خوب و بد را در خود ندارد. لذا برای حسابرسی اعمال و رفتار آدمیان، یک محکمه‌ی الهی نیاز است تا همگان عادلانه به جزای کامل اعمال‌شان برسند. خداوند رحمان در این باره می‌فرماید:

«در آن روز، مردم متفرق [از قبرها] بیرون آیند تا کارهای‌شان به آنان نشان داده شود.

پس هر کس به مقدار ذره‌ای کار نیک کرده باشد همان را ببیند.

۲۰ "إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَىٰ فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ فَهَجْرَتُهُ إِلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ مَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَىٰ دُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ امْرَأَةٍ يَتَزَوَّجُهَا فَهَجْرَتُهُ إِلَىٰ مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ" یعنی: ارزش کارها به نیت است و هر کس متناسب با نیت خود بهره خواهد برد. کسی که برای خدا و رسولش حرکت کند هجرتش به سوی خدا و رسول است (به همان مقصد اعلا خواهد رسید) اما کسی که برای رسیدن به شأنی از شئون دنیا و یا [مثلاً] به قصد ازدواج با زنی اقدام به کاری کند، جز همان هدف به چیز دیگری نخواهد رسید: بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۱۱.

^{۲۱} بنگرید به پاورقی پیشین.

^{۲۲} خداوند می‌فرماید: "يَعْلَمُ السِّرَّ وَالْأَخْفَى" یعنی: سرّ و مخفی‌تر [از سرّ] را می‌داند: قرآن کریم، سوره طه، آیه

و هرکس هم، اندازه‌ی ذره‌ای کار بد کرده باشد، آن را ببیند»^{۲۳}

تلنگری برای شک کنندگان در معاد

همه‌ی فرستادگان آسمانی، ضمن ابلاغ دین (برنامه و روش زندگی)، به این موضوع تاکید کرده‌اند که: زندگی آدمی محدود به همین حیات کوتاه زمینی نیست؛ بلکه عالم دیگری پس از این دنیا وجود دارد و بر مبنای اینکه تا چه اندازه زندگی زمینی مان با آنچه مورد رضایت خالق بوده، تطابق داشته، از نعمت‌های بهشتی یا مجازات آخروی برخوردار خواهیم شد. در واقع باورداشت معاد، ضمانت اجرایی دین است و چنانچه حساب و کتاب و حیات پس از مرگ نباشد، عموم مردم به دنبال بهره‌برداری حداکثری از منافع و لذایذ دنیوی خواهند رفت؛ حتی اگر به قیمت پایمال شدن حقوق دیگران تمام شود!

اما نکته‌ی مهمی که مطرح می‌شود، این است که: اگر معاد، واقعیت نداشته باشد، باورمندان به حیات پس از مرگ، چه چیزی از دست داده‌اند جز گوشه‌ای از لذت‌های زودگذر دنیایی؟! و در مقابل، چنانچه معاد وجود داشته باشد، آنها که به این مسئله باور نداشته‌اند، چه از دست داده‌اند؟ رفاه، امنیت و نعمت و رضایت جاودان الهی را!^{۲۴}

نتیجه‌ی باورمندی به معاد

انسانی که به اصل معاد و بازگشت به سوی خدا معتقد است، از رفتار و افکار و نیات خود مراقبت می‌کند و خصلت‌های مذموم را از خود می‌زداید. به راحتی دروغ نمی‌گوید؛ حق دیگران را ضایع نمی‌کند؛ برای مال دنیا حرص نمی‌زند؛ خیانت نمی‌کند؛ ...

کسی که معتقد است سرنوشت ابدی انسان به این دنیای محدود و زودگذر گره خورده، با بیهودگی و روزمرگی، زمان محدود خود را هدر نمی‌دهد.

کسی که خدای قادر متعال را ناظر بر احوالات خود می‌بیند و می‌داند دیر یا زود به سوی خداوند رحمان باز می‌گردد، در برابر ناملایمات زندگی، خود را نمی‌بازد و در مشکلات به خداوند متعال توکل می‌کند. او می‌داند نه غم و رنج این دنیا ماندنی است و نه سر خوشی و لذت‌ش. بلکه عاقبت، همگان در پیشگاه خداوند حاضر می‌شوند و آثار همه‌ی کارهای خوب و بدشان را می‌بینند:

^{۲۳} "يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِّيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ * فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ":

قرآن کریم، سوره الزلزله، آیه ۷ تا ۹.

^{۲۴} امام رضا علیه السلام به یکی از منکران معاد و روز قیامت فرمود: "أَيُّهَا الرَّجُلُ أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ الْقَوْلُ قَوْلَكُمْ وَ لَيْسَ هُوَ كَمَا تَقُولُونَ أَلَسْنَا وَ إِبَائِكُمْ شَرَعًا سَوَاءً لَا يَصُرُّنَا مَا صَلَّيْنَا وَ صُمْنَا وَ ... إِنْ يَكُنُ الْقَوْلُ قَوْلَنَا وَ هُوَ كَمَا تَقُولُ أَلَسْتُمْ قَدْ هَلَكْتُمْ وَ نَجَوْنَا" یعنی: اگر حق با شما باشد [و روز رستاخیزی در کار نباشد] - که چنین نیست - مگر نه این است که ما و شما یکسان و برابر خواهیم بود؟ و آنچه نماز گزاردیم و روزه گرفتیم و ... که به ما ضرر و زیانی نمی‌رساند. ولی اگر حق با ما باشد - که چنین هست - مگر نه این است که شما هلاک خواهید شد و ما نجات می‌یابیم؟: بحارالانوار، ج ۳، ص ۳۶.

همانا همگان از آن خداییم و [برای حسابرسی] به سوی او باز خواهیم گشت.

نکات مهم این جلسه:

- معاد از اصول اعتقادی مهم شیعیان و به معنای ایمان به برپایی قیامت، جزا و پاداش انسان‌ها به سبب اعمال و نیات‌شان در دنیا و حیات جاودان ایشان پس از مرگ است.
- بر مبنای آموزه‌های شیعی، با مرگ جسم، «روح» در عالمی به نام «برزخ» به حیات خود ادامه می‌دهد. سپس در قیامت، به امر خدا روح آدمی دوباره به جسم خود باز می‌گردد. لذا بر این اساس «تناسخ» مردود است.
- اگر معاد نبود، سرنوشت نیکوکاران و ظالمانی که حقوق مردم را پایمال کرده‌اند، یکسان می‌شد و این بر خلاف عدالت است.
- این جهان، گنجایش و فرصت حسابرسی کامل همراه با دیدن همه‌ی عواقب کارهای خوب و بد را در خود ندارد. لذا برای حسابرسی اعمال و رفتار آدمیان، یک محکمه‌ی الهی نیاز است.
- بدون باورداشت معاد، توصیه‌ها و برنامه‌هایی که پیامبران در قالب دین به مردم ارائه داده‌اند، ضمانت اجرایی نخواهد داشت.
- اگر معاد، واقعیت نداشته باشد، باورمندان به حیات پس از مرگ، جز گوشه‌ای از لذت‌های زودگذر دنیا چیزی را از دست نمی‌دهند اما چنانچه معاد وجود داشته باشد، آنها که به این مسئله باور نداشته‌اند، نعمت و رفاه ابدی را از دست خواهند داد.
- در نتیجه‌ی باورمندی به معاد، انسان خصلت‌های مذموم را از خود دور می‌کند؛ عمر محدود دنیایی خود را با انجام کارهای بیهوده هدر نمی‌دهد؛ در برابر ناملازمات زندگی، خود را نمی‌بازد؛ در انتخاب‌هایش همواره به این موضوع توجه دارد که عاقبت، همگان در پیشگاه خداوند آثار کارهای خوب و بدشان را می‌بینند؛ ...